

پایه :	۲	موضوع :	نحو ۲
تاریخ :	۹۲/۰۳/۰۶	ساعت :	۱۸

نام کتاب: سیوه طی از باب الإبتداء تا اول فاعل + تمیزیه و ترکیب نیمه اول جزء ۳۰ قرآن کریم

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. در مثال «و رغبۃ فی الخیر خیر» مسوغ ابتدا به نکره چیست؟
 ب. ۱۷۶
 ا. متعلق برای جار و مجرور است
 ب. در ما بعدش عمل کرده است
 ج. موصوف به وصف مقدر است
 د. بعد از واو حالیه قرار گرفته است
۲. شرط «دام» برای عملکردن چیست؟
 ج. ۱۹۳
 ا. بعد از استفهام یا شبه نفی قرار گیرد
 ب. بعد از ما نافییه باشد
 ج. بعد از ما مصدریه ظرفیه واقع شود
 د. خبرش بر اسمش مقدم گردد
۳. اگر کلمه‌ای با «لکن» بر خبر ما شبیه به لیس عطف شود، چه حکمی دارد؟
 ب. ۲۱۱
 ا. نصبش واجب است
 ب. رفعش واجب است
 ج. جایز الوجهین است
 د. اعرابش مستقل از معطوف علیه می‌باشد
۴. کدام گزینه درباره‌ی خبر «افعال مقاربه» صحیح است؟
 ا. اتصال «أن» به خبر «اخلولق» و «حری» واجب است
 ب. مثال «طفق زید أن یدعو» صحیح است
 ج. اتصال «أن» به خبر افعال شروع جایز است
 د. اتصال «أن» به خبر «کرب» واجب است

سؤالات تشریحی:

۱. در مثال‌های زیر، مبتدا و خبر از نظر تقدیم و تأخیر چه حکمی دارند؟ چرا؟
 ۱۸۰-۱۸۳
 ا. ما زیداً ألاً شاعراً
 ج. تأخیر خبر واجب است زیرا محصورفیه می‌باشد
 ب. من لی منجداً
 ج. تقدیم مبتدا واجب و تأخیر خبر نیز واجب است چون مبتدا صدارت طلب می‌باشد
 ج. ما لنا ألاً اتباعاً أحمد
 ج. تقدیم خبر واجب است چون محصورفیه است
 د. این من علمته نصیراً
 ج. تقدیم خبر واجب است چون خبر (این) صدارت طلب است
۲. «عسی» در چه صورتی از خبر بی‌نیاز می‌شود؟ مثال بزنید.
 ۲۲۷
 گاهی بعد از عسی آن و فعل مضارع جانشین دو جزء - اسم و خبر - می‌شوند بنابراین دیگر به خبر احتیاجی نیست مثل «عسی أن یقوم» که آن و فعل محلاً مرفوع به عسی هستند.

۳. در مثال‌های زیر، حرکت همزه «أن» چه حکمی دارد؟ چرا؟
 ۲۳۲

- ا. إجلس حیث أن زیداً جالساً
 ج. واجب الکسر است، زیرا حیث در حکم ابتدای کلام است ۲۳۲
 ب. جائتی الذی فی ظنی أنه فاضل
 ج. واجب الفتح است، زیرا در ابتدای جمله‌ی صله واقع نشده است ۲۳۲
 ج. و قال الله انی معکم
 ج. واجب الکسر است، چون ان و ما بعدش محکی برای قول هستند ۲۳۳
 د. خرجت فاذا آنک قائم
 ج. جایز الوجهین است، زیرا بعد از اذا فجائیه قرار گرفته است ۲۳۵

* و الفعل إن لم يك ناسخاً فلا / تلفيه غالباً إن ذى موصلاً. ۲۴۵

۴. شعر را توضیح داده، آن را بر مثال «و إن كانت لكبيرة» تطبیق دهید.

اگر فعل از افعال ناسخ نباشد، غالباً با **إن** مخففه از مثقله همراه نمی‌شود، اما اگر فعل از افعال ناسخ باشد با **إن** می‌آید مثل مثال که در آن فعل ناسخ - کانت - همراه با **إن** مخففه از مثقله آمده است.

* الخامس من النواسخ «لا» التي لنفي الجنس، و الاولى التعبير بـ«لا» المحمولة على إن، لأن «لا» المشبهة بليس قد تكون نافية للجنس. ۲۵۱

۵. عبارت را کاملاً توضیح داده، عمل «لا» نفی جنس را بنویسید.

ناسخ پنجم **لا** نفی جنس است که عملش نصب به اسم و رفع به خبر می‌باشد، اگر چه بهتر است به این **لا**، «لا محموله بر ان» گفته شود، زیرا **لا** شبیه به **ليس** هم گاهی برای نفی جنس به کار می‌رود، بنابر این برای فرق بین این دو **لا**، نامیدن به اسم «لا محموله بر ان» اولویت دارد.

۶. اگر تابع اسم **لا** نفی جنس، بدل باشد چه حکمی دارد؟ با ذکر مثال توضیح دهید. ۲۶۰

اگر بدل نکره باشد، هم نصبش جایز است و هم رفعش مثل: **لا احد رجلاً - رجل في الدار**، و اگر بدل معرفه باشد، واجب الرفع است مثل: **لا احد زيد في الدار**.

* وهب تعلم و التي كصيرا / ايضاً بها انصب مبتدا و خيراً. ۲۷۱

۷. بیت فوق را توضیح داده، آن را بر مثال‌های «فهني امرء هالكا» و «اتخذ الله ابراهيم خليلاً» تطبیق دهید.

«هب» و «تعلم» نیز از افعال قلوب بوده و مبتدا و خبر را دو مفعول خود قرار می‌دهند، مثل مثال اول که **ياء** در فهني مفعول اول و امرء مفعول دوم است. همچنین افعال تصيير نیز همانند افعال قلوب اند، افعالی که عبارتند از **صار**، **جعل**، **خلق**، **وهب**، **رد**، **ترك**، **تخذ** و **اتخذ** که همگی معنای **صيرورت** دارند، و در مثال دوم **ابراهيم** مفعول اول و **خليلاً** مفعول دوم **اتخذ** است.

۸. ترکیب کلمات مشخص شده را بنویسید.

«أَيَّانَ» و «مُرْسَاهَا» در آیه شریفه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» (نازعات/۴۲)

«أَيَّانَ»: اسم استفهام، محلاً منصوب، ظرف زمان متعلق به عامل محذوف، خبر مقدم، «مرساها»: مبتدای مؤخر، مضاف و مضاف‌الیه.

۹. تجزیه کلمات زیر را بنویسید.

أ. فصل	ج. مصدر ثلاثي مجرد	ب. سَيْرَت	ج. ماضی مجهول، از باب تفعیل، صیغه چهارم
ج. لا بئین	ج. جمع مذکر سالم لا بئ، اسم فاعل ثلاثي مجرد	د. غَسَّاق	ج. صیغه مبالغه از ماده غَسَّقَان.